

# به نام تعالی

## رفتارشناسی فرهنگی ایرانیان

مدرس : ناهید خوشنویس

دانشگاه علمی کاربردی واحد 13

سال تحصیلی 96

## ریشه یابی فرهنگ

- در فرهنگ علوم اجتماعی آلن بیرو، واژه ی culture آمده است:
- ریشه ی cultura
- که در زبان لاتین،
- معنای مراقبت از گیاهان
- و در معنای مجازی
- مراقبت از اندیشه را می دهد گرفته شده است.
- فرهنگ عبارت است از هر آنچه که در یک جامعه ی معین کسب می کنیم، می آموزیم و می توانیم انتقال دهیم

## ویژگیهای فرهنگ از نظر آقای هرسکووتیس

- 1- فرهنگ یک امر اکتسابی است
- 2- فرهنگ عوامل طبیعی، روانشناسی و تاریخی زندگی انسان را در برمی گیرد
- 3- هر فرهنگی دارای مشخصاتی است که مربوط به ترکیب و ساختمان جامعه است
- 4- فرهنگ دارای جاذبه های متعدد است
- 5- فرهنگ در طول زمان تغییر می کند
- 6- فرهنگ های مختلف در روی زمین وجود دارند
- 7- هر فرهنگ دارای قواعد و اصولی است که تحقیق علمی آنها عملی و میسر است
- 8- فرهنگ یک وسیله سازگاری فرد با محیط خارجی خود و در عین حال وسیله ای برای ظهور امکانات خلاقه اوست

## تعریف فرهنگ از نظر آقای دکتر محمد صادق غلام جمشیدی

- فرهنگ مجموعه ای از سنن ، باورها ، اداب ، اخلاق فردی یا خانوادگی و اقوامی که پایبندی ایشان به امور باعث تمایز آنها از دیگر اقوام و قبایل می شود .

### • فرهنگ به دو دسته تقسیم می شود :

- 1- فرهنگ مادی : به مجموعه پدیده هایی اطلاق می گردد که محسوس ، ملموس و قابل اندازه گیری با موازین کمی و عملی است مانند فنون ، ابزارهای کاربردی و تولیدی و ماشین و موتور
  - 2- فرهنگ غیر مادی : به مجموعه و مسایلی گفته می شود که قابل اندازه گیری با موازین کمی نیست و به آسانی نمی توان آنها را مقایسه و ارزیابی نمود مانند اعتقادات ، ضوابط خویشاوندی ، هنر ، زبان ، ادبیات و رسوم که در واقع هویت فرهنگی یک جامعه را تشکیل می دهند
- انواع فرهنگ غیر مادی : ارزش ها - هنجارها - باورها - خرافات - نماد ها

### جنبه های مختلف فرهنگ

- فرهنگ دارای سه جنبه : 1) جنبه شناختی 2) جنبه فنی و مادی 3) جنبه سازمانی
- 1- جنبه شناختی فرهنگ : عبارتست از باور داشت ها ، اسطوره ها ، ارزشها ، ایدئولوژی ها ، رویکردها یا دانش فرهنگ یک جامعه از این وجه شناخته می شود اینها جنبه شناختی یک فرهنگ هستند
- 2- جنبه فنی و مادی فرهنگ : عبارتست از مهارتها ، پیشه ها ، ابزارها و خلاصه چیزهای مادی دیگر که اعضای جامعه آن را بکار می برند
- 3- جنبه سازمانی فرهنگ : عبارتست از آداب ، رسوم ، عرف ها ، قوانین ، نقشها که پایگاه های گوناگون یک فرهنگ هم بسته اند
- و همچنین قوانین و مقررات شیوه و نوع رفتاری که انتظار می رود اعضای جامعه هنگام فعالیت روزانه انجام دهند یا رعایت نکنند جزء جنبه های سازمانی فرهنگ است

## انواع فرهنگ

- صاحب نظران و فرهنگ شناسان، برای فرهنگ انواع یا سطوح مختلفی را ذکر می کنند و مبنای متفاوتی را برای تقسیم بندی در نظر می گیرند. یکی از تقسیم بندی ها بر مبنای دامنه شمولیت زمانی و جامعه تحت پوشش می باشد. در این تقسیم بندی انواع فرهنگ عبارت است از:
- 1- فرهنگ ملی 2- فرهنگ عمومی 3- فرهنگ تخصصی 4- فرهنگ سازمانی.
- **فرهنگ ملی** : فرهنگی است که چندین نسل در آن مشترک اند و به عنوان عامل مؤثر در تعیین هویت ملت ها قلمداد می شود.
- **فرهنگ عمومی** : فرهنگی است که وجوه مشترک زیادی با فرهنگ ملی دارد ولی در مظاهر فرهنگی با تغییرات متناسب با شرایط و مقتضیات محیطی همراه است.
- {به یک معنا فرهنگ عمومی، ظهور و نمود فرهنگ ملی در دوره های زمانی کوتاه مدت و تحت تأثیر شرایط زمانی است. }
- عموم افراد جامعه در فرهنگ عمومی مشترک اند.
- **فرهنگ تخصصی** : فرهنگی است که بخشی از افراد یک جامعه براساس حرفه و تخصص و حوزه شغلی خویش در آن مشترک اند.
- **فرهنگ سازمانی** : فرهنگی است که اعضای یک سازمان در آن مشترک اند.
- رابینز (1990) معتقد است که : { فرهنگ سازمانی عبارت است از ارزشهای غالبی که توسط اکثریت قریب به اتفاق سازمان پذیرفته و حمایت می گردد و عامل انسجام اعضاء و محتوایی درونی آنها می باشد .
- فرهنگ سازمانی هویت اجتماعی هر سازمان را تشکیل می دهد . گریفین (1989)

**خرده فرهنگ** علاوه بر فرهنگ کلی حاکم بر هر جامعه، طبقات، قشرها و گروه‌های مختلف جامعه نیز دارای فرهنگ ویژه خود هستند که ریز فرهنگ یا خرده فرهنگ خوانده می‌شود.

• در تعریف خرده فرهنگ گفته‌اند: «خرده فرهنگ بر دستگامی از ارزش‌ها، سلوک‌ها، شیوه‌های رفتار و طرز زندگی یک گروه اجتماعی که از فرهنگ مسلط جامعه مفروض، متمایز ولی با آن مرتبط است، اطلاق می‌شود.»

• با توجه به تعریف ذکر شده، به طور ساده می‌توان گفت خرده فرهنگ، فرهنگی درون فرهنگ بزرگ‌تر است

### شکل گیری خرده فرهنگ

• خرده فرهنگ‌ها را می‌توان شیوه‌هایی برای ابراز وجود دانست که گروه‌های مختلف، در تلاش جمعی برای مقابله با تضادهای طبقاتی، به وجود می‌آورند و خود را غالباً در انتخاب سبک خاصی از پوشش، واژگان و زبان خاص و نوع خاصی از موسیقی نمایان می‌سازد.

• اما همانطور که ذکر شد خرده فرهنگ‌ها با وجود تفاوت‌هایی که با فرهنگ عمومی جامعه دارند، در عناصری با آن مشترک هستند.

**تمدن** تمدن یعنی سبک زندگی مجموعه‌ای از انسان‌ها که در یک دوره تاریخی در یک منطقه جغرافیایی زندگی می‌کردند و دارای اهداف مشترکی بودند و دستاوردهای خاصی داشتند.

• در این تعریف سبک زندگی رکن اساسی تمدن است و همچنین تاکید می‌شود بر دوره تاریخی و منطقه جغرافیایی که دوره تاریخی می‌تواند کوتاه یا بلند و منطقه جغرافیایی می‌تواند کوچک یا بسیار وسیع باشد.

• عنصر دیگر تعریف دستاوردها هستند که بدون آن تمدن معنای خود را از دست می‌دهد، و همچنین یک جامعه بی هدف در تعریف تمدن نمی‌گنجد.

## رابطه بین دو واژه تمدن و فرهنگ

برخی تمدن و فرهنگ را مترادف یکدیگر بکار می‌برند. گروهی دیگر فرهنگ را در نقطهٔ مقابل تمدن قرار می‌دهد. در این مضمون، معنی فرهنگ تغییر کرده همه عقاید و آفرینش‌های انسانی مربوط به اسطوره، دین، هنر، و ادبیات را شامل می‌شود. حال آنکه تمدن به حوزه خلاقیت انسانی مرتبط با فن آوری (تکنولوژی) و علم اشاره می‌کند. خط، تکنولوژی، و علم عمومی ترین معیارهای مورد استفاده بوده‌اند.

در بحث رفتار شناسی فرهنگی دو مبحث مردم شناسی و انسان شناسی بشر دخالت دارد

### مردم شناسی (انتولوژی) انسان شناسی (استرولو پولوژی)

- انسان شناسی علمی است که انسان را به طور کلی و همه جانبه بررسی می‌کند یا مطالعه عمومی انسان اعم از جسمانی، زیستی، تاریخی، اجتماعی یا فرهنگی، انسان شناسی ویژگی‌های طبیعی انسانها را در بین اقوام و ملت‌های مختلف و همینطور ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی او را مورد بررسی قرار می‌دهد
- مردم شناسی علم مطالعه جنبه‌های زندگی انسانها در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، دینی در یک محدوده خاص جغرافیایی می‌باشد. به شکل خلاصه می‌توان گفت مردم شناسی علم شناخت فرهنگ جوامع انسانی است

### انواع انسان شناسی

- انسان شناسی را می‌توان بر اساس روش به
- 1) انسان شناسی تجربی، عرفانی، فلسفی و دینی تقسیم کرد
- 2) با توجه به نوع نگرش، به انسان شناسی کلان یا کل نگر و انسان شناسی خرد یا جزء نگر دسته بندی نمود
- در طول تاریخ بشر، اندیشمندان برای حل معماها و پرسشهای مطرح شده درباره انسان، راههای مختلفی را در پیش گرفته اند؛ برخی به بررسی مسأله با روش تجربی پرداخته و انسان شناسی تجربی را بنیان نهاده اند که در برگیرنده ی همه رشته های علوم انسانی است

- گروهی راه صحیح شناخت انسان را سیر و سلوک عرفانی و دریافت شهودی دانسته و با تلاشهایی که از این طریق انجام داده اند به نوعی شناخت از انسان که می توان آن را انسان شناسی عرفانی نامید دست یافته اند .
  - جمعی دیگر ، از راه تعقل و اندیشه ی فلسفی به بررسی زوایای وجود انسان دست یازیده و انسان را از این منظر مورد تحقیق قرار داده و نتیجه تلاش فکری خود را انسان شناسی فلسفی نامیده اند .
  - و سرانجام گروهی با استمداد از متون دینی و روش نقلی درصدد شناخت انسان برآمده و انسان شناسی دینی را پایه گذاری کرده اند .
- ۲ . انسان شناسی خرد و کلان مجموعه بحث و بررسی های انجام یافته در مورد انسان را می توان به دو دسته کلی تقسیم کرد :
- گاهی در بررسی انسان بعدی خاص ، گروهی به خصوص و یا انسانهای زمان یا مکان ویژه ای مورد نظر قرار گرفته و دانشمندان درصدد طرح سؤال و یافتن پاسخ در آن خصوص بر می آیند .
  - و گاهی انسان به طور کلی و با صرف نظر از بعد ، شرایط ، زمان و مکان خاص ، کانون توجه کاوشگران و پژوهشگران قرار می گیرد و در پی یافتن رمز و راز آن بر می آیند .
  - انسان شناسی نوع نخست را انسان شناسی خرد یا جزء نگر و انسان شناسی نوع دوم را انسان شناسی کلان یا کل نگر می توان نامید .

## اقوام و ایلات و عشایر در ایران ؛

- بخشی از جمعیت ایران حدود 5 میلیون نفر زندگی ایلی و عشیره ای دارند
- و مفهوم ایل همیشه با کوچ همراه است و آنان باید برای یافتن مراتع و علفزارها دائما در حرکت باشند .
- کوچ در مفهوم جامعه شناسی نوعی پدیده فرهنگی و اقتصادی به حساب می آید .

### کوچ

- منظور از کوچ و کوچ نشینی نوعی زندگی است که در آن به دلیل اتکا به شغل دامداری به منظور بهره گیری از منابع طبیعی ناچار به حرکت و جابه جایی از نقطه ای به نقطه ی دیگر می باشد.
- اگر چه فعالیتهای جانبی دیگر مانند کشاورزی و صنایع دستی نیز در این جامعه رواج دارد. امروزه در مملکت ما اصطلاحات مختلف نظیر: عشایر کوچ نشینی ، گله دار، ایلیاتی ، چادر نشین و غیره به کار برده می شود که همگی دال بر زندگی کوچ نشینی است

### انواع کوچ

- کوچ های عشایری معمولا از نظر چگونگی کوچ و موقعیت جغرافیایی محل و محدوده حرکت به دو دسته تقسیم می شوند: کوچ افقی و کوچ عمودی.

**کوچ عمودی:** در این نوع کوچ مهاجرت از دشت به کوهستان صورت می گیرد. به عبارت دیگر کوچ از ارتفاعات بالا به پایین و بالعکس انجام می شود . به دلیل شرایط آب و هوایی دسته ای از عشایر زمستان را در زمین های پست و تابستان را در ارتفاعات کوهستانی به سر می برند. از خصوصیات این نوع کوچ کوتاه بودن طول مسیر کوچ است .. عشایر ممسنی ایلات سنگسری-پروری- دارای این نوع کوچ هستند

**کوچ افقی :** در این نوع کوچ عشایر معمولا مسافت زیادی را طی می کنند که این مسیر حد فاصل چند شهرستان و یا استان را شامل میشود. در بعضی از مناطق این مسافت به هزار کیلومتر هم می رسد. این دسته از عشایر در طول مسیر کوچ از این مراتع استفاده میکنند. این گروه بر خلاف دسته قبل در ییلاق و قشلاق دارای اراضی کشاورزی و باغات



کمتری میباشند و عموماً عشایر کوچرو هستند. ایلات قشقایی و خمسه در استان - طوایف چادر نشین کرمانشاه کردستان و ایلام دارای این نوع کوچ هستند

### کوچ افقی به دو محدوده جغرافیایی قابل تقسیم است:

- ۱- کوچ درون استانی که در محدوده یک یا چند شهرستان واقع در حوزه یک استان صورت میگیرد.
- ۲- کوچ برون استانی که فراتر از یک استان در محدوده چند شهرستان یا چند استان صورت میگیرد.

برخی اصطلاحات مرتبط با زندگی عشایر:

**مال کنون:** عبارت است از کندن و جمع کردن چادرها و اثاثیه در وقت جابجا شدن از گرمسیر به سردسیر که در بین عشایر معمولاً این کار با در نظر گرفتن سعد و نحس روزها و زمان انجام می شود (سعد - خوب و نحس - بد)

**ایل راه:** منظور فاصله دو منطقه سردسیر و گرمسیر و بالعکس است که ایلات را خاص را یا راههای خاصی را همیشه در نظر دارند تعیین و انتخاب ایلرا بر چند اصل است: - نزدیکی راه - انتخاب راه کم خطر - برخورد های ایلی مسیر کوچ: به خط سیر حرکت و جابجای عشایر کوچنده از بیلاق به قشلاق و بالعکس اطلاق می شود. به مسیره های سنتی کوچ عشایر «ایلراه» گفته می شود.

**زیست بوم عشایری:** محدوده ای از سرزمین و قلمرو ایل و یا قلمرو رده های ایلی عشایر است که علی الاصول شامل بیلاق، قشلاق و مسیر بین این دو (میان بند) است.

- **بیلاق یا سردسیر:** به محدوده زیستی و قلمرو جغرافیایی گفته می شود که عشایر تمام و یا قسمتی از فصول بهار و تابستان را در آن می گذرانند. در بین برخی از عشایر به بیلاق، سرحد نیز گفته می شود.
- **قشلاق یا گرمسیر:** به محدوده زیستی و قلمرو جغرافیایی گفته می شود که افراد و خانوارهای عشایری، تمام یا قسمتی از فصول پاییز و زمستان را در آنجا سپری می کنند.
- **میان بند:** به مناطق بین قلمروهای بیلاقی و قشلاقی عشایر اطلاق می شود. مسیره های عبور عشایر (ایلراه ها) و اتراقگاه های موقت بین راهی در میان بند قرار داشته است. همچنین متناسب با فصل یا دوره کوچ، میان بند دارای مراتع بهارگه چر یا بهارچر و پاییز چر بوده است.<sup>۱</sup>

## فعالیت اقتصادی مردم کوچ نشین ایران

- ۱- مهمترین فعالیت عشایر دامداری و تولید محصولات دامی است
- ۲- فعالیت آنها در تولید محصولات کشاورزی است البته به صورت محدود
- ۳- در زمینه صنایع دستی
- ۴- فعالیت های متفرقه که ادامه زندگی عشایری که هم واحد تولید وهم واحد مصرف به حساب می آید است.

### به طور کلی نوع مسکن میان ایلات و عشایر را می توان به دو دسته خانه و سیاه چادر تقسیم کرد:

خانه مساکنی است که مصالح آن از چوب یا مواد بنایی مانند خشت و گل، آجر و سنگ و غیره است و بیش تر در نقاط قشلاق هر ایل یا دهکده هایی که از سوی ایلات مسکون برای تمام ایام سال بنا شده یافت می شود و جنبه ُ دایمی دارند.

چادر نیز در میان بیش تر چادر نشینان عمومیت دارد و با وضعیت زندگی آن ها مناسب است. چادرها را می توان در مدت کوتاهی از روی زمین برچید و بر پشت چارپایان برای بردن به ناحیه ای دیگر حمل کرد. طرح چادرها معمولا یا دایره شکل و یا مسطیلی است.

هر یک از ایلات و عشایر یاد شده دسته ها و رده بندی های ایلی خاص آن منطقه که به تفصیل در مناطق مورد نظر آورده خواهد شد را رعایت می کنند و آداب و رسوم و شیوه های زندگی هر یک از این اقوام با یک دیگر تفاوت های اساسی دارند که همه این تفاوت ها و گونه گونی ها سبب شده که ایلات و عشایر به عنوان جاذبه های دیدنی عصر تکنولوژی به شمار آیند.

### نسبت های خویشاوندی در بین اقوام کوچ نشین ایرانی :

در جامعه عشایری نسبت خویشاوندی به سه شکل دیده می شود

1- رابطه سببی

2- نسبی

3- آرمانی

۴ - خویشاوندی رضایی

**سببی:** می تواند به شکل پدر تباری یا مادر تباری باشد در پدر تباری همه افراد یک نیا مشترک واقعی دارند. افراد موقعیت وارث خود را از پدری می گیرند خویشاوندی در این نوع معمولاً به صورت خانواده گسترده می باشد فرزندان به نام پدر نامیده می شوند و اقتدار پدر بزرگ چندین نسل را شامل می شود این نوع خویشاوندی در اقتصاد زندگی کوچ نشینی هم خود خود را نشان می دهد خویشاوندان حقیقی با هم خون حق بهره برداری از آب، زمین و مرتع را دارند. اتحاد در بین این گروه مستحکم بوده و معمولاً تلاش می شود با ارج است که تعداد فرزندان هر چه بیشتر باشد خصوصاً فرزندان ذکور یا پسر زیرا دوام نیای خانواده تنها به واسطه ادامه نسل فرزندان نیز ممکن می باشد.

- **مادر تباری:** نوعی سیستم خویشاوندی است که موفقیت اجتماعی فرد و حتی خویشاوندی او به خانواده مادر وابسته است در این سیستم فرزندان به نام مادر نامیده می شوند و نیاز کودکان از راه مادر ادامه پیدا می کند
- در این سیستم دایی معمولاً قدرت بیشتری دارد در این بعضی از اقوام کرد نمونه هایی از آن دیده می شود و این نوع انتساب در بین کرد ها بیشتر از آنکه مربوط خونی باشد بیشتر مربوط به شخصیت مادر بوده است
- **نسبی:** خویشاوندی ناشی از ازدواج می باشد در جامعه عشایری این ازدواج اهمیت دارد به دو دلیل  
1- باعث محکم شدن موقعیت ایل می شود 2- زمینه ساز از بین رفتن دشمن های قدیمی می باشد  
. رسم هایی مثل خونیس یا گاوگاو نمونه هایی از نوع ازدواج هستند. در رسم خون پس برای اتمام جنگ های طائفه ای دختری از خانواده یا ایل قاتل به خانواده مقتول داده می شود و یارسم گاوگاو نوعی ازدواج مبادله ای که دختری در مقابل دختری از خانواده دیگر داده می شود.

### **رسم دیرینه خون بس یا « کاردکتل » در فرهنگ لر زبانان**

رسم خون بری یا خون بس (کاردکتل) به عنوان یکی از روشهای سنتی حلّ منازعات قومی با منشاء قتل در میان عشایر مورد مطالعه قرار گرفته است.

خون بس (کاردکتل) مانند دیگر سنتها و رسمهای دیار لرنشان و ایلهای دیگر لر، در میان دیگر اقوام ایرانی، از جمله عربها و بلوچها با نامها و عناوین دیگر، رایج است.

- **آرمانی** : در سیستم خویشاوندی آرمانی نیز عضویت افراد، نه تنها به سبب خویشی و قرابت خونی، بلکه داشتن نیای مشترک **آرمانی** است که ایل یا طایفه بنام او نامیده می‌شود.
- این نوع خویشاوندی در میان عشایر لک و لر بیشتر وجود دارد
- که با پس‌وند «وند» مشخص می‌شوند
- تاکنون خیلی از پژوهشگران در مورد پسوند «ون = وند» وند تحقیق کرده اند چرا که این پسوند نه تنها در نام اقوام ایرانی دیده می‌شود بلکه در نام برخی از اماکن ایران همچون دماوند، نهاوند و الوند نیز وجود دارد.
- حتی واژه «دما» در نام ترکیب دماوند را به معنی عقب و
- واژه نها - در نام ترکیبی نهاوند - را به معنی جلو
- ذکر نموده اند،
- واژه ال در نام ترکیبی الوند دگرگون شده آن (عقاب) است که روی هم به معنی عقاب‌وند همچون نام خانوادگی دالوند در لرستان که به معنی عقاب‌وند است
- مانند همه‌وند (همه یا حمه مخفف محمد) حسن‌وند / بهاروند / رشوند (رش مخفف رشید)

### • خویشاوندی رضاعی

- نوعی **نسبت خانوادگی** است که با شیر خوردن **نوزاد** از **زنی** که **مادر** طبیعی او نیست، حاصل می‌شود. تأثیر این نوع قرابت فقط در منع **ازدواج** میان خویشان رضاعی است و آثار دیگر قرابت نسبی مانند **ارث** بردن و **انفاق** در آن مطرح نیست رضاع به معنای شیر دادن و رضاعی به معنای همشیر است و در گفتار بیشتر کلمات برادر و خواهر همشیر به کار می‌رود

- **خاندان** : نوع دیگری علاوه بر انواع خویشاوندی در بین عشایر غرب ایران مثل اهل حق کرمانشاه دیده می‌شود خاندان‌ها خود را یا صفت حقیقی مطرح می‌کنند زندگی آنها مثل کلان یا گروهی است که ممکن است ریشه آرمانی هم داشته باشد

این افراد خاندان نوعی همبستگی معتمدی وجود دارد همراه با آداب و مناسک خاص که به شکل افراد سرسودگی خود رابه رئیس خاندان که او را پیر می‌نامند دیده می‌شود هر کس که در این مراسم شرکت کند و سرسیردگی خود را اعلام نماید حتی بدون داشتن خویشاوندی سبی و نسبی جزء این

خاندان به حساب می آید قوانین ومقررات خاصی در بین آنها دیده نمی شود مثل اعضای کلان در مواردی حق ازدواج بین افراد وجود ندارد مثلا اعضای خاندان که خود را سادات می نامند حق ازدواج از با یکدیگر را ندارند

### نشانه‌های فرهنگی: جوامع جمع گرا، جوامع فرد گرا

- شکل های ابتدایی رفتار اجتماعی در جوامع مختلف تابع یک مساله مهم است و آن فرهنگ جمع گرا فرد گرا می باشد

#### • جوامع فرد گرا:

- معمولا با پیشرفت های صنعتی امروز همراه هستند رقابت در آنجا قوی است ارزش افراد پیش از جمع می باشد در فرهنگ فرد گرا خانواده معمولا به صورت هسته ای دیده می شود
- خانواده هسته ای امروزه قانون و مقررات کمی حاکم است و بر اطاعت تاکید نمی شود
- در خانواده گسترده ( خانواده ای که چندین خانواده را در خود گرفته است مثل پدر بزرگ و مادربزرگ و عمه و دایی و عمو )

#### • جوامع جمع گرا

- جوامع جمع گرا مبتنی بر ارزش ها و سنت ها گذشته می باشد
- فرد در برابر جمع و ارزش های جمعی قدرت کمی دارد
- افراد خاص مثل ریش سفیدان یا افراد پر قدرت که سنت ها را در دست دارند قدرت نفوذ بیشتری دارند
- جوامع جمع گرا به طور کلی سنت های قوی را در خود نگه داشته اند

## جمع گرایی افقی و عمودی :

- تحقیقات مردم شناسان بر روانشناسی اجتماعی نشان داده می شود که می توان جمع گرایی جوامع را به دو شکل نشان داد
- 1- جمع گرایی افقی :
- که بر وابستگی دو جانبه افراد و یکی بودن افراد جمع تاکید دارد
- 2- جمع گرایی عمودی :
- به خدمت تعدادی به کل گروه تاکید دارد یعنی از پایین به بالا جمع گرایی عمودی نوعی رده بندی قدرت است .
- در فرهنگ فرد گرا در اغلب افراد به اهداف فردی خود اهمیت می دهند حتی اگر این اهداف تا حدی با اهداف درون گروهی مثل اهداف قبیله ، همکاران ، هم قبیله ای ها در تضاد باشد
- . برعکس مردم جمع گرا به اهداف درون گروهی اهمیت می دهند جمع گرایان در اکثر اوقات به طور سلسه مراتبی سازماندهی می شوند . و تمایل دارند :
- 1- نگرانی نتیجه اعمال خود بر اعضای درون گروه باشند
- 2- امکانات را با اعضای درون گروه خود تقسیم کند
- 3- با اعضای درون گروه خود احساس وابستگی دو جانبه داشته باشد
- 4- احساس کنند در بقای گروه نقش دارند
- اما فرد گرایان به لحاظ عاطفی از گروه های خود جدا هستند افرادی متکی بر خود مستقل ، لذت طلب بدنبال اهداف خود هستند

## فرهنگ سخت گیر یا فرهنگ بی قید :

- برخی کندها در زمینه فرهنگی سخت گیری بسیاری دارند یعنی رفتارها و هنجارهای اجتماعی به شدت مورد توجه مردم بوده و خلاف آن رفتار کردن جرم محسوب می شود
- مثال نمونه ای در کل دو دهه پیش رفتار معلم ژاپنی در برخورد با دانش آموز در مطالب انگلیسی مطرح شد و به شدت خشم عمومی را برانگیخت معلم به خاطر دیر آمدن دانش آموز در کلاس را با اصابت به سردانش آموز شدت بسته بود این رفتار نشانه ای از فرهنگ سخت گیر ژاپنی و مجازات در برابر رعایت نکردن

هنجارها بود اما در برابر این فرهنگ سخت گیر فرهنگ بی قیدی و تحمل در برابر تخطی از رفتارها در فرهنگ آمریکا دیده می شود مجازات های سنگین برای تخلف رفتاری در فرهنگ کمتر دیده می شود

### ویژگی های فرهنگی

- 1) یکی از ویژگی های فرهنگی که باعث می شود
- فرهنگ سخت گیری بیشتر داشته باشد
- دین سالاری است

### ۲) همگنی فرهنگی :

از ویژگی های فرهنگ سخت گیر است - یعنی اکثریت مردم توافق می کنند که در مورد چیزی یکسان عمل نمایند و همین مشایعت رفتاری باعث می شود کمتر دیگران خلاف این مساله رفتار نمایند به طور کلی تراکم جمعیت به ما می فهماند که رفتار های کارکردی هستند یا به عبارتی عده زیادی این عمل را انجام می دهند رفتارها مثل قوانین راهنمایی و رانندگی هستند اگر شما یک راننده باشید در یک جاده به هر طرف بخواهید رانندگی می کنید راست یا چپ اما اگر رفت و آمد زیاد باشد شما مانند دیگران عمل می کنید همگنی و مشایعت در رفتار شما دیده می شود هر چند افراد همگن تر عمل نمایند تعداد خلاف کمتر می شود

### 3) ارتباط رفتار مردم با مساله آب و هوا

#### پیامدهای مثبت فرهنگ های سخت گیر :

- یکی از عوامل سخت گیری یا بی قیدی فرهنگ ها در ارتباط با رفتار مردم مساله آب و هوا هم توسط عده ای مطرح شده یعنی ارتباط محیط جغرافیایی با رفتار مردم مثلا این گروه معتقدند افرادی که آب و هوای سرد زندگی می کنند کنترل بیشتری بر خود و دیگران دارند . یا آب و هوای بسیار گرم بی قیدی بیشتری را در رفتار مردم به وجود می آورد .

#### • 4) ساختار سنی جمعیت

مساله دیگر ساختار سنی جمعیت است که معمولا در فرهنگ های سخت گیر بر هماهنگ بودن سن افراد و رفتارشان تاکید دارد

### بنابراین نشانگان فرهنگی عبارتند از:

- 1- پیچیدگی: برخی فرهنگها، پیچیده تر از فرهنگهای دیگر هستند.
- 2- فردگرایی: برخی فرهنگها، تجربه اجتماعی را حول افراد خودگرا سازمان می دهند.
- 3- جمع گرایی: برخی از فرهنگها، فرهنگ ذهنی خود را حول یک یا چند جمع هم چون خانواده، قبیله، گروه مذهبی یا کشور سازماندهی می کنند. بنابراین نشانگان فرهنگی عبارتند از:
- 4- چیرگی: برخی فرهنگها، هنجارها، قواعد و محدودیتهای بسیاری را بر رفتار اجتماعی تحمیل می کنند. حال آنکه برخی دیگر از فرهنگها، از تحمیل چنین محدودیتهایی تقریباً مبرا هستند.
- بنابراین فرهنگ، رفتار ما را به شیوه هایی دقیق و ظریف تحت تأثیر قرار می دهد. با آنکه فرهنگ رفتار اجتماعی ما را شکل می دهد، تنها عامل تعیین کننده نیست لذا «زیست بوم» هم در این امر نقش اساسی دارد و اهمیت آنها بطور نسبی بستگی به موقعیت دارد. مثل تأثیر آب و هوا در رفتار اجتماعی ما

### روابط فرهنگ ذهنی و رفتار اجتماعی:

- مثلاً اگر دو نفر با هم در مورد موضوعی بحث کنند و مساله بر تنش یا پرادهایی از طرف یکی مطرح شود رفتار دیگری چگونه است.
- رفتار مناسب یا نامناسب شخص بستگی به مساله متعددی دارد
- رفتارهای متفاوت می تواند تحت تأثیر
- 1) عاداتهای
- 2) خود شناسی
- 3) درک موقعیت / توسط خود فرد /
- 4) درک موقعیت / انتظار سایرین /
- در مورد عادت:
- اگر در فرهنگ عادت به خشونت وجود داشته باشد احتمال زیادی دارد که در هنگام بالا گرفتن بحث حتی یکی از طرفین چیزی به سمت دیگری پرتاب کند.



- خود شناسی :
- اگر یکی از دو فرد گفتگو کننده خودش را به خوبی بشناسد
- مثلا با خود بگوید پرتاب کردن شی در حسن گفتگو در شان من نیست پس امکان رخ دادن این رفتار از او کاهش می یابد .
- درک موقعیت / توسط خود فرد /
- در رفتار افراد تاثیر گذار است زیرا او درک می کند که اگر در این موقعیت خاص رفتار نادرستی نشان دهد احتمالا مدتهای زیادی این رفتار زشت در ذهن دیگران باقی می ماند ( مثل عروسی و گفتن حرفی که همه را متوجه خود نماید )
- درک موقعیت /انتظار سایرین /
- موقعیت تعیین کننده همین راه رفتار است معمولا ما در هر موقعیت سعی می کنیم مطابق موقعیت و انتظاری که از ما می رود عمل نماییم مثلا در جلسه خواستگاری هر کدام از طرفین سعی می کنند با درک موقعیت تصویری خوشایند از خود نشان دهند

### فرهنگ و ارتباطات

- اگر می خواهید بطور موثری با دیگران ارتباط بگیرید ، باید با فرهنگ ذهنی مردمی که با آنها ارتباط برقرار می کنید ، آشنا باشید ، برای حفظ خود در برابر سوء تفاهم های ارتباطی باید بدانید که :
- آنها چه هنجارها
- نقش ها و ارزش هایی را دارا هستند
- ما از هنجارها پیروی می کنیم و ارتباطمان به مهارتهای ما در چگونگی دسته بندی گیرندگان پیام بستگی دارد
- در ضمن عقاید قالبی ما نیز نقش مهمی در چگونگی ارتباطات ما ایفا می کند
- اگر بخواهیم ارتباطات خود را بهبود بخشیم
- باید از تواناییهای خود آگاه باشیم

## آیا فرهنگ ها در همگرایی بسر می برند؟

- شرکت هایی که در عرصه جهانی فعالیت می کنند بخواهند فلسفه، اهداف، تولیدات و خدماتشان نه تنها شناخته شود بلکه توسط کارکنان، مصرف کنندگان و شرکایشان در فرهنگ های مختلف به یک باور تبدیل شود، آنان باید به درک آن چیزی پردازند که این چیزها برای مردم هر فرهنگی معنا می دهند.
- با وجودی که ما تلاش می کنیم سازمان ها را یکپارچه و هدفمند بسازیم ولی آنها برای افراد فرهنگ های مختلف معنای یکسانی ندارد، اینکه سازمانی بتواند در ابعاد عینی از قبیل شکل کارخانه، تجهیزات و آرایش آن یکسان عمل کند، امکان پذیر است ولی کلاً دارای معانی متفاوتی است که فرهنگ های انسانی مختلف با توجه به شرایط خود آن را فهمیده و براساس آن عمل می کنند.
- بهمین ترتیب تکنولوژی های اجتماعی همچون ساختارهای ماتریسی، نظام های پاداش دهی، شکل عملکرد، و تقویت مدیریت مشورتی ممکن است یکسان و هم شکل بنظر برسد ولی برای افراد در فرهنگ های مختلف دارای معانی متفاوتی هستند. همه آن ها به زمینه و متن فرهنگی وابسته اند

## مشخصه های فرهنگ ایرانی

- آنجائی که فرهنگ یک معنای عام و کلی دارد از این رو فرهنگ ایرانی نیز شامل آداب و رسوم و اخلاقیات و هنر و دین و... می شود.
- به اهم مشخصات فرهنگ ایرانی به صورت کلی اشاره می کنیم
- 1. عجین بودن با دین و مذهب
- از مشخصات بارز فرهنگ ایرانی عجین بودن آن با روحیه دینی و مذهبی است، این ویژگی فرهنگی که در تمام تاریخ ایران شاهد هستیم موجب اقبال و استقبال ایرانیان از دین مبین اسلام گشت.
- از این روست که دین اسلام در کلیه شئون زندگی ایرانیان نفوذ کرده است.
- استاد شهید مطهری در این زمینه می فرمایند
- «از ابتدای دوره هخامنشی که تمام ایران کنونی به اضافه قسمتهایی از کشورهای همسایه، تحت یک فرمان در آمد تقریباً دو هزار و پانصد سال می گذرد از این بیست و پنج قرن، نزدیک چهارده قرن آن را، ما با اسلام به سر برده ایم و این دین در متن زندگی ما وارد و جزء زندگی ما بوده است، با آداب این دین کام اطفال خود را برداشته ایم، زندگی کرده ایم، خدای یگانه را پرستیده ایم، مرده های خود را به خاک سپرده ایم ... و

تاریخ ما، ادبیات ما، سیاست ما، قضاوت و دادگستری ما، فرهنگ و تمدن ما، شئون اجتماعی ما، و بالاخره همه چیز ما با این دین توأم بوده است».

. جست وجوی انسان کامل و راه یافتن به ایده و آرمان متعالی

- این موضوع، از مشخصات فرهنگ ایرانی در همه ادوار است.
- این که ایرانیان متوسل به آستان مقدس حضرت نبوی (ص) می شوند و خاندان بزرگوار آن حضرت را اسوه و الگوی خود قرار می دهند از همین زاویه قابل تفسیر است

### 3. پیوستگی آن با معنویات

- صدیق عیسی در کتاب تاریخ فرهنگ ایران آورده است:
- «از مطالعه کتیبه ها، سنگ نبشته ها، الواح، کتب تاریخ، اخلاق، تذکره ها و دیوان های شعر که در زمان پیدایش خط در ایران در دست است
- این حقیقت جلوه گر می شود که با وجود شورشها و خونریزی های فراوان و تاخت و تاز دشمنان و قبایل وحشی و استیلای بیگانگان بر ایران، تمدن معنوی و فرهنگ ملی ما با هم پیوستگی خاص دارد
- و این پیوستگی منحصر به دوره و عصر معینی نیست بلکه تمام ادوار قبل از اسلام و بعد از اسلام ارتباط کامل دارند.»

### 4. عجین بودن آن با علم و هنر

- این مشخصه دانشمندان و هنرمندان و نویسندگان ایرانی را نامی و شهره آفاق ساخته است، چه از کسب فرهنگ همسایگان و ملل متمدن دیگر فروگذار نکرده و از هر جا توانسته به دانش و هنر خویش افزوده است.
- شهید مطهری در این باره می گوید:
- «به طوری که تاریخ شهادت می دهد، ما ایرانیان در طول زندگانی چندین هزار ساله خود با اقوام و ملل گوناگون عالم، به اقتضای عوامل تاریخی، گاهی روابط دوستانه و گاهی روابط غیردوستانه داشته ایم.
- یک سلسله افکار و عقاید در اثر این روابط از دیگران به ما رسیده است، همچنانکه ما نیز به نوبه خود در افکار و عقاید دیگران تأثیر کرده ایم.
- هر جا که پای قومیت و ملیت دیگران به میان آمده مقاومت کرده و در ملیت دیگران هضم نشده ایم، و در عین اینکه به ملیت خود علاقه مند بوده ایم این علاقه زیاد تعصب آمیز و کور کورانه نبوده و سبب کور

باطنی ما نگشته است تا ما را از حقیقت دور نگاه دارد و قوه تمیز را از ما بگیرد و در ما عناد و دشمنی نسبت به حقایق به وجود آورد.»

۵. برخورد اخلاقی با جامعه و انسان؛

- در شهرهای مختلف ایران مسیحیان، زرتشتیان، کلیمیان، یهودیان، شیعیان، سنی ها و ... صدها سال پیش از آنکه سازمان حقوق بشری ایجاد گردد در کنار یکدیگر زیسته اند
- هیچ گاه در فرهنگ ایرانی مردم برای همسان نبودن دینشان به دیگر هم میهنانشان شمشیر نکشیدند.
- هیچگاه نبردهای دینی در ایران رخ نداد و هزاران سال است که دهها آئین و باور و مذهب مختلف در کنار یکدیگر زندگی کرده اند. امری که میان اعراب و حتی اروپاییان تا پیش از رنسانس رایج بود و هست.
- اگر تبعیض دینی .. گاه دیده شده است حاصل حکومتهایی است که بر پایه فرهنگ ایرانی استوار نبوده اند.
- 
- برخورد اخلاقی با جامعه،
- برخورد اخلاقی با جهان،
- برخورد اخلاقی با انسان،
- برخورد اخلاقی با طبیعت،
- احترام به آب و باد و خاک و آتش
- همدلی،
- نیکی کردن،
- عشق و مهر ورزیدن
- ظلم ستیزی و دادگری،
- ایمان و یکتاپرستی،
- هنر و موسیقی غنی،
- یکپارچگی، احترام به باورها و گویشها،
- دفاع از کشور و میهن دوستی،
- اهمیت پیشرفت، علم، دانش و تربیت ... ی

- یاری به مستمندان،
- خیرات، اطعام کردن
- و بخشش از خصوصیات ذاتی و بنیادین فرهنگ ایرانی است ... نیکی کردن و انسان محوری نیز از نامورترین خصلتهای ملت ایران است.
- براساس تحقیقی که به عمل آمده، در حوزه فرهنگ ملی، ایرانیان دارای عناصر فرهنگی خاص خود هستند که از یک تاریخ پرفراز و نشیب و یک پیشینه تمدنی طولانی نشأت می گیرد.
- دو عنصر فرهنگ غربی و اسلامی در مواجهه با یکدیگر در فرهنگ ایران تأثیرگذار بوده اند.
- یک خصوصیت متمیزه فرهنگ ایرانی در طول تاریخ، جذب فرهنگی آن و به عبارت دیگر فرهنگ پذیری آن است.
- ایرانیان توانسته اند همواره بهترین ها را در عرصه فرهنگ از هر جا که هست کسب کنند و جذب فرهنگ مردمی خود نمایند.
- در عین حال این فرهنگ دارای نوعی قابلیت مقاومت فرهنگی هشیارانه در برابر عناصر تحمیلی بوده است و توانسته است در برابر عناصر ناهمگون مسلط فرهنگی با خلق ارزش های تازه، اصول فرهنگی خود را حفظ کند.

در بیان مطالعات مربوط به دینداری مشخص شد که

سطح دینداری در میان ایرانیان بالاست و ظهور اجتماعی این تدین قابل توجه است

. مشاهدات نشان می دهد که بسیاری از افرادی که ظاهر آنان با انتظارات جامعه از منظر مذهبی هماهنگ نیست در عرصه های اعتقادی همچون زیارت، مراسم عزاداری مذهبی، نماز عید فطر، مراسم تاسوعا و عاشورا، شب های قدر پا به پای سایرین حاضر می شوند در حقیقت ما دارای مذهبی هستیم که تأثیرات آن در عمق شخصیت افراد جامعه ریشه دوانیده و از آن جدایی ناپذیر شده است.

## ویژگی‌های فرهنگ ایرانی - اسلامی

● فرهنگ مجموعه‌ای از اخلاقیات، باورها، هنجارها، سنت‌ها، دین ایدئولوژی و همه آن چیزهایی است که انسان در زندگی اجتماعی کسب کرده و به صورت تکرار آن را انجام می‌دهد و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهد.

● اما ابزارهای انتقال فرهنگ در هر زمان متفاوت است. در دوره‌ای با صحبت و چهره به چهره و زمانی به صورت مکتوب و زمانی به صورت نما و شاهکارهای معماری و هنری و ادبی و الگوهای دینی و مذهبی انتقال می‌یابد.

عوامل فرهنگی و انگیزه‌هایی که در اسلام توسعه فرهنگی را ایجاد می‌کند و به تحقق آن کمک می‌کند. عبارتند از

- توصیه به کار و تولید در اسلام
- - باور به پیوستگی بین مادیت و معنویت
- - دعوت اسلام به آراستگی، زیبایی و دعوت به تجمل
- - توصیه مسلمین به آباد کردن زمین
- - حرمت اسراف و تبذیر
- - مزمت فقر مالی
- - مبارزه با خرافات
- - دعوت به تعقل
- - ملاک بودن خرد بشری
- - فراخوان اسلام به علوم، فنون و صنایع
- - رعایت نظم و برنامه‌ریزی در کلیه امور
- - دعوت مسلمانان به داشتن روحیه اقتباس اخلاق از دیگران
- - اعتقاد به جامعه آماری
- - انعطاف فقه نسبت به توسعه
- - اعتقاد مسلمانان به قدرت و عزت



نظریه های فرهنگی کلاسیک غرب؟

- 1- امیل دورکیم
- 2- ماکس وبر
- 3- کارل مارکس
- 4- تالکوت پارسونز
- 5- آنتونیو گرامشی
- 6- فردیناند تونیس
- 7- ساموئل هانتینگتون
- 8- هافستد

1) نظریه آنومی یا بی هنجاری دورکیم

• داوید امیل دورکیم

David Émile Durkheim

- ▶ آنومی یا بی‌هنجاری، مفهومی است که توسط امیل دورکیم (۱۸۵۸-۱۹۱۷) جامعه‌شناس مشهور فرانسوی
- ▶ در ادبیات جامعه‌شناسی وارد شده است. به اعتقاد دورکیم، در زندگی روستایی مبتنی بر کشاورزی  
هنجارهای مستقر و پایداری وجود دارند که الگوهای رفتار، وظایف و انتظارات افراد جامعه را  
مشخص می‌سازند. دورکیم همبستگی حاصل از این نظم هنجاری پایدار را همبستگی مکانیکی می  
نامد. جوامع دارای این نوع همبستگی، واحدهای مستقلی هستند که در آنها خانواده به عنوان نهادی  
دارای کارکردهای فراوان و از جمله کارکرد اقتصادی، نیازهای تمامی افراد جامعه را تامین می‌کند
- ▶ با ظهور سرمایه‌داری صنعتی و آغاز مهاجرت مردم از روستاها به شهرها، همبستگی مکانیکی دیگر توانایی  
ایجاد ساختار برای زندگی اجتماعی نوین را از دست داد.
- ▶ در این شرایط، نوع جدیدی از همبستگی با عنوان همبستگی ارگانیک شکل می‌گیرد که مبتنی بر تقسیم کار  
بوده و دربردارنده ساختار هنجاری هدایت‌کننده‌ای نیز است.
- ▶ در واقع به اعتقاد دورکیم، همبستگی مکانیکی مبتنی بر تشابهات افراد بود، در حالی که همبستگی ارگانیک بر  
مبنای تمایزات موجود بین افراد جامعه، شکل می‌گیرد.
- ▶ اما گذار از همبستگی مکانیکی به همبستگی ارگانیک مدتی به طول می‌انجامد. ویژگی غالب این دوره  
گذار، بی‌سازمانی هنجاری است که دورکیم آن را شرایط آنومیک می‌نامد.
- البته منظور دورکیم از این واژه بی‌هنجاری مطلق نیست. زیرا در هر جامعه‌ای به هر حال هنجارهای  
غالبی وجود دارند، در واقع هدف اصلی او توصیف وضعیتی است که در آن بی‌نظمی نسبی هنجاری  
حاکم است
- ▶ رها شدن از تاثیر بازدارنده و محدودکننده هنجارها نه تنها شرایط را برای زندگی افراد مساعدتر و آزادتر نمی  
کند بلکه در غیاب هنجارهای هدایت‌کننده، مردم نمی‌دانند چگونه رفتار کنند و در انتظار چه چیزهایی  
باشند.
- ▶ از نظر دورکیم، بسیاری از مسائل اجتماعی در اروپای دستخوش صنعتی شدن شتابان در نتیجه عدم وجود  
یک نظم هنجاری مناسب پدید آمده بودند. نمونه بارز این نوع نگاه در کتاب «خودکشی» قابل مشاهده است.



▶ دورکیم در این کتاب، با بررسی جامعه شناختی آمارهای مربوط به خودکشی، خودکشی را دارای انواعی می داند که یکی از آنها خودکشی «آنومیک» است.

▶ این نوع از خودکشی زمانی شیوع می یابد که ارزش ها و هنجارهای گروهی معنای خود را از دست داده و موجبات انزوا، سردرگمی و نابسامانی فردی را در اعضای گروه فراهم می آورند

### انواع خودکشی

- ( خودکشی دگر خواهانه
- (2 خودکشی ناشی از بی هنجاری
- (3 خودکشی جبری
- دورکیم فرهنگ (الگوهای عمل، باور و احساس) را برخاسته از نیازها و شیوه سازمان یافتگی ساختار اجتماعی و نه انتخاب یا تفسیر خود عامل از جهان اجتماعی می بیند.
- وی در مورد دین و آداب دینی به عنوان جزء محوری فرهنگ (البته در دیدگاه غیراسلامی به دین؛ چرا که در نگاه اسلامی و در جامعه اسلامی، دین فرهنگ ساز به شمار می رود و نه جزئی از فرهنگ)، خاطر نشان می کند که جوامع گوناگون هر از چندی به تناوب با برپایی آداب دینی گرد هم می آیند تا نیازشان را به نیایش امور مقدس برآورده سازند.
- دورکیم در خاتمه نتیجه می گیرد که دلیل واقعی وجود دین و آداب دینی نه پرستش خدایان، بلکه بازسازی پیوندهای اجتماعی بوده است. وی این نکته را مورد تأیید قرار می دهد که همه ادیان متضمن اعمال تشریفاتی و شعائر منظمی هستند که در آن گروهی از مؤمنان گرد هم می آیند و در مراسم تشریفاتی جمعی، حس همبستگی گروهی تأیید و تقویت می شود



● (2) نظریه های ماکس وبر

- الف) وبر نیز همچون دورکیم بر نقش بااهمیت دین در فرهنگ تأکید داشته و دین را به عنوان بعد محوری فرهنگ قلمداد می کند.
- ب) مهم ترین عاملی که ارتباطی بین وبر و نظریه فرهنگی برقرار می کند درک او از کنش انسانی است  
ج) نکته دیگر در نظریه فرهنگی وبر، بحث اقتدار یا سلطه مشروع است. وبر معتقد بود که سلطه با ار  
جاع به ساختارهای وسیع تر معنا، توجیه می شود
- الف) وبر نیز همچون دورکیم بر نقش بااهمیت دین در فرهنگ تأکید داشته و دین را به عنوان بعد محوری فرهنگ قلمداد می کند. با این تفاوت که «وبر» بر محتوای ذهنی نظام‌های تجریدی ایمانی و اعتقادی تأکید بیشتری دارد، در حالی که دورکیم به عواطف غریزی و درونی انسان تقدم می دهد. تفاوت قابل ملاحظه دیگر میان این دو در نگرش به نقش دین در جوامع معاصر است.
- دورکیم به وضوح عقیده دارد که پیوندهای معنوی و اهداف قدسی دارای اهمیت حیاتی در جهان امروزند اما وبر از این ایده دفاع می کند که با آغاز مدرنیته، جهان به سمت تهی شدن از معنا پیش می رود و توجه اصلی بشر بر کارایی و عقلانیت است و کنش مبتنی بر هدف (صنعتی شدن) که به عقیده او کلید اصلی مدرنیسم و صنعتی شدن است، کم کم جایگزین کنش مبتنی بر ارزش می شود.
- شایان ذکر است که عقلانیت مورد نظر وبر عقلانیت ویژه‌ای است که او از آن به عقلانیت رسمی یاد می کند. این نوع عقلانیت بر تجربه استوار بوده و بر مبنای آن ساده‌ترین و ارزان‌ترین راه برای رسیدن به هدف انتخاب می شود و اهداف حساب‌گرانه جایگزین اهداف و ارزش‌های حقیقی و جوهری مانند ایثار، زهد، پرهیزکاری و ... می گردند
- ب) نکته دیگر در نظریه فرهنگی وبر، بحث اقتدار یا سلطه مشروع است. وبر معتقد بود که سلطه با ارجاع به ساختارهای وسیع تر معنا، توجیه می شود. وی نمونه آرمانی را برای درک اقتدار پیشنهاد می کند:
- ا. اقتدار سنتی: این نوع اقتدار، زنجیره‌ای از رسوم و سنت‌های رایج است که از رسوم و اعمال خاص یک گروه اجتماعی برگرفته شده است و حاکم و اتباع از این سنت‌ها پیروی می کنند.
- ب. اقتدار کاریزماتیک یا فرهمندانه: این نوع اقتدار ناشی از باور به برخورداری حاکم از اقتدارهای استثنایی و یا نوعی عطیه الهی است.

- ت. اقتدار قانون اخلاقی یا بوروکراتیک: این اقتدار که به اعتقاد وبر در جوامع دموکراتیک معاصر و صنعتی وجود دارد، نه بر اساس سنن قدیمی و نه بر پایه ویژگی‌های خاص شخصی است بلکه بر هنجارهای قانونی یعنی تفکیک وظایف مبتنی است

### 3) نظریه های کارل مارکس بنیان گذار مارکس

- در هر عصری اندیشه های مسلط را تولید و عرضه می کنند و همین اندیشه ها از ابزارهای عمده تسلط طبقه حاکم بر طبقات زیر سلطه به شمار می رود. ایدئولوژی و فرهنگ نیز در مقابل زیربنای اقتصادی، روبنا محسوب می شوند. پس لازمه فهم فرهنگ، فهم منافع طبقه حاکم و نهایتاً فهم روابط تولیدی و زیربنای اقتصادی است

### کارل مارکس (1818-1883) Karol Marx

- از دیدگاه مارکس، فرهنگ ساخته و پرداخته کنش‌ها و کردارهای طبقات بالای اجتماعی است. اساساً در جامعه صنعتی، فرهنگ همچون ایدئولوژی حاکم عمل کرده و کار ویژه اصلی آن، توجیه منافع آن طبقات و بازتاب دیدگاه‌ها و مشروعیت بخشی به اقتدار آنها می باشد.
- از دیدگاه مارکسیستی فرهنگ خود محصول ایدئولوژی است و فهم مارکسیسم از فرهنگ مدرن و توده‌ای بر حسب و یا در در چارچوب مفهوم ایدئولوژی صورت می گیرد و به دیگر سخن، روشن فکران طبقه حاکم، طبق دیدگاه مارکسیسم، در هر عصری اندیشه‌های مسلط را تولید و عرضه می کنند و همین اندیشه‌ها از ابزارهای عمده تسلط طبقه حاکم بر طبقات زیر سلطه به شمار می رود. ایدئولوژی و فرهنگ نیز در مقابل زیربنای اقتصادی، روبنا محسوب می شوند.
- پس لازمه فهم فرهنگ، فهم منافع طبقه حاکم و نهایتاً فهم روابط تولیدی و زیربنای اقتصادی است. این نوع نگاه مارکسیسم به فرهنگ، آن را به چشم پدیده‌ای روبنایی و ثانویه نسبت به اقتصاد نگریستن و فرهنگ را بی اهمیت و وابسته به اقتصاد دانستن، ریشه در آن ایده مارکسیستی دارد که کار و فعالیت تولیدی (کنش معطوف به هدف) را عامل عینیت بخش و متحقق کننده ذات و انسانیت انسان می داند.
- البته مارکس همین کار را در جامعه سرمایه داری به خاطر نوع مناسبات اجتماعی جامعه موجب بیگانگی انسان قلمداد می کند. خاطر نشان می شود که علاوه بر تلقی تحقق بخشی کار، در آثار مارکس تلقی دیگری نیز

وجود دارد که بنابر آن انسان حقیقتاً آزاد نیست مگر در خارج حدود کار، و انسانیت انسان وقتی تحقق می‌یابد که مدت کار او به حد کافی کاهش یابد تا بتواند به امور دیگر نیز پردازد

- نظریه های جورج زیمل (الف) فرهنگ از نظر زیمل به معنای پرورش و فرهیختن کل شخصیت است. زیمل فرهنگ را در دو بعد ذهنی و عینی بررسی می کند
- (ب) زیمل به دلیل وجود تضادهای درونی جامعه مدرن و مدرنیته به بحث فرهنگ پرداخته و از نظر او جامعه مدرن به بحران، تضاد و تراژدی فرهنگ دچار خواهد شد
- (ج) از نظر زیمل، تراژدی فرهنگ همانا تضاد میان فرهنگ مادی و معنوی است

#### 4) سه قلمرو عمده از نظر پارسونز

- 1) قلمرو نهادهای شناختی؛ که با اندیشه ها و باورهای مربوط به جهان خارجی در ارتباط است
- 2) نهادهای بیانی؛ از قبیل هنرها و مثلاً موسیقی که معمولاً در ارتباطات عاطفی به کار می روند
- 3) معیارها و هنجارهای اخلاقی؛ که با این مسئله که آیا فلان چیز درست است یا نادرست ارتباط پیدا می کند

#### 5) نظریه های آنتونیو گرامشی

- نظریه هژمونی گرامشی نقش مهمی در مطالعات فرهنگ و ایدئولوژی ایفا کرده است مفهوم هژمونی در نزد گرامشی، شکلی از کنترل اجتماعی در دست گروه های اجتماعی حاکم است که بر مبنای آن طبقه سیاسی حاکم، طبقات جامعه را به پذیرش ارزش های اخلاقی، سیاسی و فرهنگی خود ترغیب می نماید
- بر اساس این نظریه، طبقه حاکم از طریق تسری دادن فرهنگ مورد نظر خود در سطح جامعه، نوعی اجتماع فرهنگی را به وجود آورده و از این طریق به کنترل اجتماعی دست می زند

## • 6) گماینشافت و گزلفاشت یا اجتماع و جامعه فردیناند تونیس

- (به آلمانی: Gemeinschaft und Gesellschaft جامعه‌شناس آلمانی، فردیناند تونیس اند اجتماع Community و Society و جامعه اجتماع بیان‌گر همان اجتماعاتی است که در پیشاتجدد به صورت یک خانواده بزرگ یا قبیله و قوم تجلی می‌کرد و جلوه‌هایی از آن در روزگار تجدد نیز دیده می‌شود).
- در عین حال گماینشافت و گزلفاشت را می‌توان به عنوان دو روی یک سکه و دو نوع روابط اجتماعی هم‌زمان هم تعبیر کرد
- . روابط اجتماعی در اجتماع بر پایه عاطفه، سنت، خویشاوندی و دوستی قرار دارد. به عبارت دیگر پایه طبیعی اجتماع (در آداب عامیانه، عرفیات و تصورات طبقه عوام وجود دارد).

- . بر عکس هرجا که شهرنشینی شکوفه می‌کند و ثمر می‌نشیند جامعه به عنوان ابزار ضروری آن ظاهر می‌شود)

## 7) نظریه فرهنگی معاصر ساموئل هانتینگتون

- نظریه وی نگاه متقابل فرهنگی در عرصه جهانی است او مدعی است که تمدن‌های مختلف امکان نزدیک شدن و گفتگو ندارند همین دلیل دنیا باید میان تمدن‌های بزرگ تقسیم شود هانتینگتون این موضوع را مطرح می‌کند که هم اکنون جنگ بین ملتها در حال پایان است و جنگ میان تمدن‌ها در حال آغاز است
- 1- اختلاف تمدن‌ها اساسی است
- 2- خودآگاهی تمدنی در حال افزایش است
- 3- تجدد حیات مذهبی وسیله‌ای برای پر کردن خلأ هویت در حال رشد است
- 4- رفتار منافقانه‌ی غرب موجب رشد و خودآگاهی تمدنی (دیگران) گردیده است
- 5- ویژگی‌ها و اختلافات فرهنگی تغییر ناپذیرند

### 8) هافستد (1991) و فرهنگ

- (در سال 1928 میلادی در هلند بدنیا آمد و در سال 1967 از دانشگاه Groningen دکترا گرفت و از همین سال بعنوان روانشناس در شرکت IBM مشغول بکار شد.
- او از اواخر دهه 1960، مطالعات و تحقیقات وسیعی را با هدف اثبات نقش و تاثیر تفاوت‌های فرهنگی جوامع و سازمانها بر مدیریت و عملکرد سازمانها آغاز کرد و طی این مقاله که به یکی از وسیع ترین پژوهش‌های میدانی در این موضوع متکی است
- در این مطالعه یک مدل 4 بعدی را برای معرفی و مقایسه تفاوت‌های فرهنگی این کشورها معرفی کرد و کشورها را براساس این 4 بعد (که بعدها بعد پنجمی تحت عنوان دیدگاه بلندمدت نیز به آنها نیز اضافه شد) با یکدیگر مقایسه نمود. این 4 بعد عبارتند از:

• فاصله قدرت ( Power distance )

• تردید گریزی/ اجتناب از عدم اطمینان ( Uncertainty avoidance )

• فردگرایی در مقابل جمع گرایی ( Individualism/collectivism )

• مرد سالاری در مقابل زن سالاری ( Masculinity/femininity )

#### فاصله قدرت :

- فاصله قدرت نشان می‌دهد که مردم یک جامعه تا چه حد حاضرند وجود نابرابری در توزیع قدرت (توزیع قدرت نابرابر) در موسسات و سازمانها را تحمل کنند. به تعبیر دیگر، فاصله قدرت به میزان برابری یا نابرابری قدرت پذیرفته شده بین دو فرد یا اعضای یک جامعه اشاره می‌کند، تفاوت قدرت زیاد (بالا) در جوامعی دیده می‌شود که ساختار اجتماعی آنها مبتنی بر نوع بوروکراسی طبقاتی است.
- اگر ویژگی‌های جوامع یا سازمانهایی را که «فاصله قدرت» در آنها بالا (زیاد) است، بررسی کنیم، به نکات و ویژگیهای زیر برخورد می‌کنیم:
- قواعد و هنجارها طوری تنظیم شده‌اند که روابط بین بالادست و پایین دست حفظ شود.
- تغییرات در سلسله مراتب قدرت و در قوانین و مقرراتی که باعث تحول در ساختار و سلسله مراتب قدرت باشد، کمتر صورت می‌گیرد.

- دسترسی به اطلاعات، حق عموم مردم شمرده نمی‌شود و جریان آزاد اطلاعات وجود ندارد، زیرا جریان آزاد اطلاعات می‌تواند معادله قدرت را برهم بزند. در این جوامع و سازمانها، همواره با طبقه غنی اطلاعاتی و طبقه فقیر اطلاعاتی روبرو هستیم.

- تردید‌گریزی (اجتناب از عدم اطمینان):

- این شاخص فرهنگی به درجه تمایل افراد به ثبات و قابل پیش‌بینی بودن امور مربوط است و میزان تحمل افراد را در قبال تردید، عدم اطمینان، عدم قطعیت و ریسک نشان می‌دهد. در جوامع یا سازمانهایی که این شاخص (تردید‌گریزی) در آنها بالاست، حجم زیادی از قوانین و مقررات وجود دارد و تلاش می‌شود تا از طریق مقررات مکتوب، به امور و فعالیتها رسمیت، ثبات و قابلیت پیش‌بینی داده شود. در سازمانهای مربوط به چنین جوامعی مدیران معمولاً از پذیرش ریسک و خطر خودداری می‌کنند و به همین دلیل نوآوری، خلاقیت، تحول و ابتکار عمل که ذاتاً با خطر و ریسک همراه است، چندان ترویج نمی‌شود

### 3- فرگرایی / گروه‌گرایی

این شاخص به درجه رجحانی که مردم جامعه (اعضای سازمان) به فرد یا جمع می‌دهند اشاره می‌کند. در جوامعی که فردگرایی در آن بالاست. افراد بیشتر به روابط فردی اهمیت می‌دهند و تعهد به سازمان یا جامعه اولویت کمتری دارد. برعکس در جوامعی که فردگرایی در آن پایین است، افراد بیشتر به جمع‌گرایی دارند و وابستگی عاطفی افراد به هم بیشتر است. در فرهنگ‌های فردگرا، افراد بیشتر به جمع‌گرایی دارند و وابستگی عاطفی افراد به هم بیشتر است. در فرهنگ‌های فردگرا، تصمیم‌گیری‌ها نیز اغلب فردی و انفرادی است، اما در فرهنگ جمع‌گرا (گروه‌گرا) همکاری، تعاون و اتفاق نظر جایگاه و ارزش بالاتری دارد، احساس تعلق و تعهد به سازمان مهم تلقی می‌شود و پاداشها نیز براساس میزان همکاری افراد با گروه یا سازمان (شامل وفاداری به گروه و سازمان یا تحمل دیگران) تعیین می‌گردد. در چنین فرهنگ‌هایی، نقش رهبری در تسهیل تلاشهای گروهی، ایجاد انسجام بین افراد و ایجاد فضای حمایتی و خلق بسترهای لازم برای مشارکت‌ها و فعالیت‌های گروهی معنا می‌شود

- 4- مردسالاری / زن‌سالاری در جوامع یا سازمانهای مردسالار یا مردگرا، مدیران بیشتر برای انجام وظایف و رسیدن به اهداف تعیین شده تلاش می‌کنند و روابط اجتماعی و انسانی اولویت چندانی ندارد. در چنین

فرهنگ‌هایی تحصیل سود برای سهامداران و مالکان سازمان نسبت به تامین رفاه کارکنان و ایفای مسئولیتهای اجتماعی مهمتر تلقی می شود.

- چنین جوامع یا سازمانهایی از آزمودن نظریه‌های جدید می‌هراسند و تلاش می‌شود تا از طریق کنترل باورها و نگرشها، ثبات حفظ شود.
- ساختارهای اجتماعی و مدیریتی در این جوامع (سازمانها) به شدت متمرکزند.
- سازمانها در چنین جوامعی دارای ساختار بلند ( Tall هستند و شکاف اطلاعاتی و ارتباطی بین سطوح مختلف زیاد است.
- سازمانها در چنین جوامعی دارای تعداد زیادی مدیر و سرپرست هستند، در نتیجه حیطه کنترل ( Span of control) کوچک و محدود بوده و تصمیم‌گیری‌ها بصورت متمرکز و توسط مدیران و سرپرستان انجام می‌شود.
- در این نوع سازمانها، میزان اطاعت و فرمانبرداری کارکنان از مدیران نیز زیاد و قابل توجه است

ایرانیان